بولدوزر به دانشگاه علم و صنعت رسید!

وزیر علوم، تحقیقـات و فناوری در احکام جداگانه‌ای ۶ عضو دوره جدید هیأت امنای دانشگاه علم و صنعت ایران و ۱۵ عضو هیئت ممیزه این دانشگاه را منصوب کرد.

براین اسـاس رضا فرجی‌دانا طی احکام جداگانه‌ای اکبر ترکان مشاور ارشـد رئیس‌جمهور و دبیر شورای هماهنگی مناطق آزاد؛ محمد سعیدی‌کیا قائم‌مقام و معاون هماهنگی امور مناطق آزاد؛ سید جواد ازهری عضو هیات علمی دانشکده مهندسـی برق؛ محمدرضا تابش نماینـده مجلس؛ نصرالله جهانگرد معـاون وزیر ارتباطات و همایـون حایری خیاوی مدیرعامل توانیر را به مدت چهار سال به عنوان عضو هیأت امنای دانشگاه علم و صنعت ایران منصوب کرد.

بعلاوه، رضا فرجی دانا احکام ۱۵ عضو دور یازدهم هیات ممیزه دانشگاه علم و صنعت ایران را نیز صادر نمود.

بر این اسـاس، دکتر نادر شریعتمداری، دکتر رحمت‌اله رحیمـی، دکتر خسـرو مالک‌نژاد، دکتـر مصطفی بهزادفر، دکتر محسـن شـریفی، دکتـر حیدرعلی شـایانفر، دکتر محمودمهرداد شـکریه، دکتر محمد فتحیان بروجنی، دکتر فرهاد گلسـتانی‌فرد، دکتر امیرحسین دوایی مرکزی، دکتر مهدی نویدبخش، دکتر سیدحسین سیدین، دکتر جبارعلی ذاکری، دکتر احمد آیت‌الهی و دکتر فرزانه فیضی که همگی از اساتید دانشـگاه علم و صنعت ایران هستند، دور یازدهم هیات ممیزه این دانشگاه را تشکیل می‌دهند.

جرأت داری امضا نکن!

جمعی از اسـاتید مجهول الهویه و دانشـجویان ناشناخته دانشـگاه‌های کشـور در نامه هایـی جداگانه از وزیـر علوم و فعالیت‌های وی حمایت کردند!

در یکـی از ایـن نامه‌ها که به امضای ۶۳۷ تن از اسـاتید دانشـگاه‌های کشور رسـیده، خطاب به علی لاریجانی، ریاست مجلس نهم، مراتب تأسـف ایشان از طرح استیضاح نمایندگان ابراز شده است!

در عین حال ۲۶۹ استاد دانشگاه تهران نیز در نامه‌ای دیگر خطاب به فرجی دانا ضمن تقدیر از فرآیند انتخاب رئیس دانشگاه تهران، از عملکرد ۸ ماهه وزیر علوم دولت یازدهم حمایت نمودند!

در مورد دیگری، بیش از ۱۰۰۰ دانشجوی ناشناخته دانشگاه علـم و صنعت با امضای طوماری ، اظهارات رئیس کمیسـیون آموزش و تحقیقات مجلس را محکوم و حمایت کامل خود را از اقدامات و انتصابات اخیر وزیر علوم اعلام کردند!

در حالی که رسـم معمول در مخابره این دست بیانیه‌های حمایتی، انتشـار فهرست اسـامی امضاکنندگان آن است گویا سایت ها و خبرگزاری های منتشر کننده خبر فوق ترجیح داده‌اند تا نام امضاکنندگان را نزد خود محفوظ نگه دارند!

به نظر می‌رسد همزمان با جدی شدن بحث استیضاح وزیر علـوم، اقدامات نمایشـی و تهیه طومارهـای تقدیر و تهدید(!) به عنوان راهکار خنثی کردن فرایند اسـتیضاح در دسـتور کار مسئولان وزارت علوم قرار گرفته است!

چرا در سالروز ۱۸تیر فرجی را استیضاح می کنید؟!

بازداشـتی فتنه ۸۸ که در روزنامه دانشگاه آزاد مسئولیت گرفته است، در اعتراض به همزمانی استیضاح و فتنه ۷۸ نوشت: بـا این وجود اصرار معـدود نمایندگان عضو یک جبهه افراطی که بر طبل استیضاح وزیر علوم آن هم در آستانه سالگرد غائله ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ می‌کوبند چند پیام واضح و مبرهن به دولت منتخب مردم و البته حامیان دولت یعنی مردم دارد.

«الـف – م» که مدتی به سـبب اقداماتش در فتنه ۸۸ در بازداشـت به سـر می برد در ادامه یادداشـت حمایتی خود از فرجی دانا، ضمن تهدید به ایجاد اغتشاش در فضای دانشگاهی در صورت استیضاح وزیر علوم، اضافه نمود: برخوردهای حذفی، محرومیت و اخراج دانشجویان و استادان از دانشگاه‌ها نتیجه‌ای جز خروج نخبگان، بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت، خالی شدن دانشگاه‌ها و افزایش تخاصم سیاسی در پی نخواهد داشت.

میلی منفرد در واکنش به خبر کیهان:

وزارت علوم در وقایع ۱۸تیر مقصر نبود!

سـایت "خبرآنلاین" نوشـت: «روزنامه کیهان امروز [۱۵ تیر ۹۳] از قول رئیس سازمان بسیج اساتید نوشت: فرجی دانا درخصوص عدم به‌کارگیری افراد فتنه‌گر و حاشیه ساز در وزارت علوم به تعهدات خود عمل نکرد، افرادی که در سال ۷۸ فتنه ۱۸ تیر را به وجود آوردند، امروز در وزارت علوم فعالیت می‌کنند. »

درباره خبر کیهان، جعفر میلی‌منفرد، معاون آموزشی وزیر علوم که معاون دانشجویی وزارت علوم در فاصله سال های ۷۶ تـا ۷۹ بوده به خبرآنلاین می گوید: «وقایعی که در سـال ۷۸ اتفاق افتاد و سـپس دستگاه های مختلف کالبدشکافی کردند، یک خط درباره اینکه وزارت علوم عملی انجام داده که نباید انجام می داده، وجود ندارد. همچنین یک خط در ارتباط با مسئولان آن زمان که کاری را انجام دادند که نباید انجام می‌دادند، وجود ندارد. تمام وقایع آن سال هم مستند شده است.»

ادعای میلی منفرد مبنی بر دسـت نداشتن حتی یک نفر از مسـئولان وزارت وقت علـوم در غائله ۱۸تیر درحالی مطرح می شـود که اسناد و شواهد متقن، از دست داشتن بسیاری از مسئولین و مقامات دولت اصلاحات ازجمله «د – س»در تحریک دانشجویان حکایت دارد!

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه، دانشجویان و طلاب محترم:

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌هـای فرهنگی مرتبط با مقولات دانشـگاهی و دانشجویی استقبال می‌کند.

علاقه‌مندان می‌توانند فایل حروفچینی شده مطالب مدنظر و نوشته‌های خود را به رایانامه Daneshgah@Kayhan.ir ارسال نمایند.

بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار مقالات ارسالی، آزاد است.

پشت پرده فتنه ۱۸ تیر ۷۸

خشت نخست فتنه!

۱۸ تیر ۷۸ حادثه‌ای خلق‌الساعه نبود، طرحی بود که پشـتوانه‌ای داشـت و آینده‌ای پیش رو. خالقان حادثه کوی دانشگاه پازلی را طراحی کردند و براساس آن پیش رفتند.

جدای از آنچه در تیر سـال ۷۸ بر کوی دانشـگاه و کف خیابان‌های تهران گذشت، هم‌زمان و پیش از آن، تحولاتی در فضای سیاسی ـ اجتماعی کشور رخ داد که تحت‌تاثیر متن حوادث، کمتر مورد توجه قرار گرفت.

اثبات تاثیرگذاری رسانه و مطبوعات بر شکل‌گیری ساختار فکری ـ فرهنگی جامعه، آنچنان واضح است که هر فردی با اندکی تأمل به آن دست خواهد یافت.

از همین روی بدیهی اسـت که گروه‌های سیاسی ـ اجتماعی با علم به این اثرگذاری، برای استفاده از این ابزار سودمند، سرمایه‌گذاری کنند.

براندازان و دشمنان فرهنگ انقلاب اسلامی، اهمیت مطبوعات و تاثیر آن بر جامعه را از همان سـال‌های ابتدایی انقلاب درک کردند. فضایی که اوایل انقلاب در نشـریه‌های مختلف و در گروه‌های مختلف سیاسـی شکل گرفت، با قاطعیت مسوولان و برخورد با آنها در آن روزها، منجر به انحراف انقلاب از مسیر خود نشد. هرچند آن جریان به‌طور کامل از بین نرفت و کم وبیش در سال‌های بعد به کار خود ادامه داد؛ اما پس از پایان جنگ و تغییر فضای اجتماعی ایران، سکولارهای ایرانی به این نتیجه رسیدند که دوباره فضا برای استفاده از مطبوعات فراهم شده است. هدف این بود که از نهادینه شدن ارزش‌های انقلابی و اسلامی در نسل جدید جلوگیری شـود و فرهنگ لیبرالی، جایگزین فرهنگ سال‌های ابتدایی انقلاب در بین توده‌های مردم شود.

این روند با روی کار آمدن دولت اصلاحات و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم قوه مجریه از این جریان سکولار مطبوعاتی، در کنار دفاع تمام‌قد وزیر فراری ارشاد اصلاح طلبان، بیش از پیش فضا را برای جولان لیبرال‌ها مهیا کرد.

نشریه‌هایی که با پیش‌تازی روزنامه‌های سلام و جامعه در سال‌های میانی دهه ۷۰ شروع به کار کرده بودند، به‌واسطه افتتاح زنجیره‌وار، پیوستگی محتوایی و مدیریت واحد، عنوان مطبوعات زنجیره‌ای را به خود گرفتند.

صبح امروز، جامعه، توس، نشـاط، خرداد، عصر آزادگان، بهار، دوران امروز، نوروز، مشـارکت، آفتاب امروز، عصر ما، آریا، ایران فردا، هم‌میهن، اخبار، آوا، پیام هاجـر و ... مهم‌ترین نشـریه‌هایی بودند که در ماه‌هـای ابتدایی دولت اصلاحات، بی‌محابا مجوز انتشـار دریافت کردند وبه سـرعت اندیشـه‌های خود را در فضای جامعه انتشار دادند.

تیترهای موجود در این جراید زنجیره ای، خود به وضوح نمایشگر انگیزه های ضد دین و تجدیدنظر طلبانه ایشان بود:

«اگر مجوز راهپیمایی به هر گروه براساس قانون داده شود، اشکال ندارد حتی علیه خدا» / آفتاب امروز – شهریور۷۸

«صحـت قصه حضرت یوسـف در قـرآن کریم از محالات اسـت.» / صبح امروز - خرداد۷۸

«مظاهر دینی چون حجاب و حیای زنان، نماد عقب‌افتادگی است.» / جامعه سالم - تیر۷۷

«پیامبر رفت و هیچ فردی را به جانشـینی خود انتخاب نکرد. امام حسـین جانشین پدر خود نبود.» / صبح امروز – آبان۷۸

«حکومت دینی، تفکری غلط است و بر همین اساس دین و سیاست از یکدیگر جدا می‌باشند.» / پیام هاجر – مهر۷۸

این همه تنها گوشـه‌ای از پرده‌دری و گسـتاخی نشـریه‌ها نسبت به مبانی اعتقـادی مـردم بود. این در حالی بود که مجموعه وزارت ارشـاد به‌عنوان متولی فرهنگ کشور، نه‌تنها موضعی در مقابل این شارلاتانیسم مطبوعاتی نگرفت، بلکه وزیـر و معاون مطبوعاتی وی بارها به حمایت از هتاکان به امنیت اعتقادی مردم لب به سخن گشودند. رئیس‌جمهور نیز در این میان سیاست سکوت همراه رضایت را در پیش گرفته بود!

مجلس پنجم که در آن زمان، سال چهارم و آخر خود را سپری می‌کرد، پس از درک شرایط این‌چنینی تصمیم گرفت وارد صحنه شود تا فضای بی بندوباری مطبوعـات را تغییر دهـد. به‌همین منظور مجلس اوایل سـال ۷۸ لایحه اصلاح قانون مطبوعات را در دستور کار قرار داد. هنگامی‌که کلیات طرح در دستور کار مجلس وقت قرار گرفت، تنها چند روز کافی بود تا حمله‌های هماهنگ نشریه‌های اصلاح‌طلب به طرح مذکور، آغاز شود.

اولین تیر در اعتراض به طرح اصلاح قانون مطبوعات، از سوی مجمع روحانیون مبارز و با صدور اطلاعیه‌ای در روزنامه دولتی ایران زده شد: «این طرح سایه استبداد را بر فضای مطبوعات کشور می‌گستراند»!

سـایر تیترهـای روزنامه های زنجیره ای نیز به گونه ای بود که اگر کسـی نمی‌دانسـت محتوای این قانون چیسـت، حتما آن را متحجرانه و قرون وسطایی تلقی می‌کرد.

شـواهدی نشـان از این داشـت که واقعیت این هجمه، تنها مقابله با طرح مجلس نیست.

سـعید حجاریان کمتر از یک سـال قبـل در مصاحبه‌ای بـا روزنامه ایران، از طرحی سـخن می‌گوید و از آن با عنوان «فتح سـنگر به سـنگر تا رسیدن به فرماندهی» یاد می‌کند.

بعدها مشخص می شود که وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و حتی بسـیج، مناطق عملیاتی براندازان و فاتحان سـنگرهای مورد اشاره مشاور سید محمد خاتمی بودند!

با شـکل‌گیری اصلاح قانون مطبوعات، بهانه لازم برای درگیری و به صحنه آمدن سـرمایه اجتماعی شکل گرفته بود که اصلاح‌طلبان تصور می‌کردند حامی آنها هستند.

کلید آشـوبی که هدفی جز کودتا نداشـت، در دستان مدیرمسئول روزنامه سـلام بود. کودتا براسـاس سند مجعولی که ۱۵ تیر ۷۸ بر پیشانی روزنامه سلام نشست، راه خود را یافت. پیوند ماجرای قتل‌های به اصطلاح زنجیره ای روشنفکران و وزارت اطلاعات به طرح مجلس، براساس سندی دروغین و جعلی، شکل گرفت.

سـلام موسـوی خوئینی ها براسـاس قانون باید توقیف می‌شـد. این اتفاق یک روز بعد رخ داد. همان شـب سـاعت ۱۰ نیز وزارت اطلاعات شـکایتی علیه مدیرمسئول به جرم افشای اسرار نظام تنظیم کرد. علی یونسی وزیر وقت اطلاعات، در مصاحبه‌ای گفت: «کاری که روزنامه سـلام کرد، سرقتی بود که فقط استفاده جناحی و سیاسی داشت.»

یک ماه فضاسازی علیه طرح مجلس، پیوند آن با سعید اسلامی و ماجرای قتل‌ها و حال بسـته شـدن روزنامه سلام، موجب شد تا نشریه‌های برانداز دوباره وارد صحنه شوند. حزب مشارکت ۱۶ تیر بیانیه‌ای صادر کرد و نوشت: «اصرار به توقیف سلام می‌تواند عواقب و پیامدهای زیان‌باری داشته باشد.»

در این میان تحریک دانشـجویان، بیش از همه مورد توجه این جریان قرار گرفـت. تلاش زیادی صـورت گرفت که از راه‌های مختلف، اعتراض از پیشـانی روزنامه‌ها به صحن دانشگاه کشیده شود.

تحریک دانشجویان در نشریه‌ها، همان بعدازظهر روز ۱۷تیر و با حضور عواملی که بعدها مشخص شد اصلا دانشجو نبوده‌اند، نتیجه داد.

تنها ۱۰ روز پیش از آن، روی دیگر این پروژه توسط نشریه آمریکایی «میدل ایسـت اکونومیک دایجست» برملا شـد. این نشریه در مقاله‌ای خبر از تحولاتی حیاتی در ایران داد: «بیشتر ناظران در تهران بر این اعتقادند که تابستان امسال شاهد یک آزمون حیاتی قدرت و حتی شاید دور نهایی رویارویی جدی بین جناح محافظه‌کار و اصلاح‌گرایان خواهد بود. اصلاح‌طلبان، یک تابستان سیاسی داغ را پیش روی دارند تا جناح محافظه‌کار را از میدان مبارزه خارج کنند.»!

برنامه‌ای که پیش‌بینی شـده بود، شـب ۱۷تیر در محوطه کوی دانشـگاه تهران توسـط دفتـر تحکیم وحدت کلید خورد. عامل تحریک دانشـجویان، در شـعارهایی که سر داده می‌شـود، شنیده می‌شود. شعارهایی که حاکی از تهدید آزادی و اختناق است. دانشجویان از آنچه پشت پرده این جریان می‌گذرد، بی‌خبر هستند. پشت پرده‌ای که آنان را تنها پیاده‌نظام و ملعبه ای برای نیل به مقاصد شوم خویش می دانند!

آرام آرام شعارها علیه نظام و رهبری هدایت می‌شود. با توجه به روزهای فرجه امتحانات و حضور کم دانشجویان در کوی، نیاز به حضور عوامل غیردانشجو و هدایت معترضان به بیرون از محوطه خوابگاه احساس می‌شود. جمعیت حدود ساعت ۹ شب ۱۸ تیر از محوطه کوی دانشگاه خارج و وارد خیابان کارگر می‌شود. هم‌زمان با حضور معترضان در خیابان، عاملان اصلی، آشـوب و تخریب اموال عمومی را آغاز می‌کنند. با تبدیل اعتراض به آشوب و تخریب و سلب امنیت از مردم منطقه، نیروی انتظامی وارد صحنه می‌شود و از دانشجویان می‌خواهد به کوی برگردند.

جمعیت به داخل کوی برمی‌گردد ولی همچنان چند ده نفری می‌مانند و خیابان را می‌بندند. اراده‌ای که علاقه‌مند به درگیر کردن نیروهای انتظامی با آشوب‌گران است، کاملا حس می‌شود. شب از نیمه می‌گذرد که شعارهای دانشجویان تندتر می‌شود و روشن کردن آتش در خیابان و تخریب اموال عمومی شدت می‌گیرد. پلیس با بلندگو باز از دانشجویان می‌خواهد به کوی برگردند و در غیر این صورت برخورد خواهد کرد. همین اتفاق هم می‌افتد. نیروی انتظامی وارد محوطه کوی می‌شود و درگیری شدیدی که بین معترضان و نیروی انتظامی رخ می‌دهد، منجر به اتفاق های تلخی می‌شود.شـعارها ارتباطی با روزنامه سلام و قانون مطبوعات ندارد. جمعیت معترض، اصل نظام را هدف گرفته‌اند. هم‌زمان با ادامه درگیری‌ها تا نیمه‌شب، عده‌ای وارد کوی می‌شوند و اقدام به تخریب خوابگاه‌ها و ضرب و شتم دانشجویان می‌کنند. اقدامی که نه‌تنها هیچ توجیهی ندارد بلکه به‌شدت مشکوک است. طبق اظهار برخی از دانشجویان حاضر در واقعه، افرادی که وارد کوی شدند، اصلا دانشجو نبودند و هرکسی را هم مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. دانشجویانی که در اتاق‌های خود مشغول استراحت هستند، مورد حمله قرار می‌گیرند. آنچه مسلم است حجم آشوب و تخریب به‌قدری زیاد است که نمی‌توان آن را به حضور یک‌ساعته نیروی انتظامی در کوی نسبت داد.

در این میان اظهارنظرهای بی‌منطق و بعضا تحریک‌آمیز برخی مسـئولان مانند مصطفی تاج‌زاده و سـلیمانی معاون دانشجویی مصطفی معین، در ملتهب کردن اوضاع و تحریک دانشـجویان علیه نظام، بسیار تاثیرگذار است. وزیر علوم نیز در اقدامی مشکوک و تأمل‌برانگیز، استعفای خود از وزارت را اعلام می‌کند که در آن شـرایط، هیچ تاثیری غیر از ملتهب کردن اوضاع ندارد. شـرایطی به‌وجود می‌آید که تصور می‌شـود دولتی‌ها در یک طرف ایستاده‌اند و به‌جای آرام کردن اوضاع، با اقدام‌های خود بر تنش می‌افزایند.

فـردی به نام احمد باطبی ـ که اصلا دانشـجوی دانشـگاه تهران نبود ـ در چارچوب طرحی که بخشـی از پازل توطئه است و جریان کشته‌سازی را دنبال می‌کند، با در دسـت گرفتن یک زیرپیراهن آغشـته به رنگ ـ که بعدها اعتراف کـرد در خانـه با خون حیوانـات، زیر پیراهن را رنگی کرده بود ـ مدعی کشـته شدن دوست دانشجوی خود شد. عکسی از او به‌طور گسترده در نشریه‌ها منتشر شـد و انعکاس گسترده‌ای پیدا کرد و تا مدت‌ها به‌عنوان سندی مبنی بر کشتن دانشجویان ارائه می‌شد.

شب ۱۹ تیر، وزارت اطلاعات شکایت خود را از روزنامه سلام پس می‌گیرد. روابـط عمومی وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای رعایت بی‌طرفی و اسـتقلال، حفظ آرامش و پرهیز از هرگونه تنش و تقویت سیاسـت‌های دولت خدمت‌گزار درباره توسـعه سیاسـی و آزادی‌های قانونی مطبوعات را به‌عنوان دلیل‌های انصراف از شکایت ذکر می‌کند. همان شب جلسه‌ای در دفتر تحکیم وحدت با حضور سعید حجاریان و اصغرزاده شـکل می‌گیرد. اعلام یک هفته عزای عمومی و درخواست تعطیلی دانشگاه‌ها، از تصمیم‌های مهمی است که در این جلسه گرفته می‌شود.

شـامگاه ۱۹ تیر، در خیابان‌های اطراف کوی، حـوادث تلخی می‌گذرد. در حالی‌که تقریبا جریان به‌طور کامل از اختیار دانشجویان خارج شده است، تخریب اموال عمومی، آتش زدن اتومبیل‌ها، حمله به مسـجدها و آزار رسـاندن به اقشار مذهبی و هرکسـی که ظاهری مذهبی دارد و حتی تعرض به بانوان محجبه، از جمله حوادثی است که تلخی این حوادث را بیش از پیش می‌کند.

صبح روز شـنبه ۱۹ تیر، تیتر روزنامه نشـاط اعلام یک هفته عزای عمومی از طرف دفتر تحکیم وحدت اسـت. عزای عمومی برای حوادثی که تاکنون یک کشـته داشـته، آن هم افسر وظیفه‌ای به نام عزت ابراهیم نژاد که بشکل مهمان در خوابگاه حضور داشت. هرچند هیچگاه نهادی رسمی مرگ وی را تایید نکرد!

فائزه هاشـمی، مجید انصاری، محمدعلی ابطحـی، اکبر گنجی، علی اکبر محتشـمی پور، مصطفی معیـن، عبدالله نوری، فاطمه کروبی و موسـوی لاری افرادی هسـتند که به تناوب در این چند روز در کوی حاضر می‌شـوند و هریک به شکلی بر تحریک دانشجویان می‌افزایند. حضور گسترده اعضای نهضت آزادی و سـازمان منحله مجاهدین انقلاب در مدیریت آشوب‌ها و حتی حضور عزت‌الله سحابی و ابراهیم یزدی در کوی، از نکات دیگری است که پشت پرده جریان را آشـکار می‌کند.روز ۲۰ تیر با گسترش آشوب در شهر و خیابان‌های اطراف کوی می‌گذرد. در همین روز خاتمی با اسـتعفای معین مخالفت می‌کند. آشوب‌گران با حضور در مقابل وزارت کشـور، درب این وزارتخانه را کندند و به سمت میدان فاطمی تظاهرات کردند. بازی اسـتقلال و پرسپولیس که امروز قرار است برگزار شـود نیز مورد توجه فتنه‌گران قرار می‌گیرد و اعلام می‌شـود علاوه بر حضور در ورزشـگاه، بزرگراه تهران ـ کرج را مسـدود خواهند کرد. علاوه بر حضور اعضای نهضت آزادی و فائزه هاشمی در کوی، اعلامیه‌ای در حمایت معترضان از سوی حسینعلی منتظری صادر و بین دانشجویان پخش می‌شود. اکبر گنجی نیز حدود سـاعت ۱۷ خود را به کوی می‌رسـاند و سخنرانی تحریک‌آمیزی پیرامون وقوع کودتا انجام می‌دهد. شـامگاه ۲۰ تیر با حضور مصطفی معین در محوطه کوی، اعلام می‌شود که از فردا ۱۰ صبح، معترضان در دانشگاه تهران تحصن خواهند کرد.

فردای آن روز یعنی در ۲۱ تیرماه، اقشار مختلف مردم و دانشجویان با رهبر معظم انقلاب دیدار می‌کنند. ایشان در ابتدای سخنانشان به حادثه کوی دانشگاه اشـاره داشـته و می فرمایند: «مطلبی که از نظر من مهم‌تر از همه است و ذهن مرا مشـغول کرده، حمله به خوابگاه جوانان و دانشـجویان است. این حادثه تلخ قلب مرا جریحه‌دار کرد. حادثه غیرقابل قبولی در جمهوری اسلامی بود. حمله به منزل و مأوا و مسکن یک جمعی به ویژه در شب یا هنگام نماز جماعت، به‌هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست. هرکسی بوده فرقی نمی‌کند چه در لباس نیروی انتظامی چه در غیر آن. حرف من به دانشجویان این است که مراقب باشید و دست‌های پنهان را ببینید.»

فائزه هاشمی، مجید انصاری، محمدعلی ابطحی، اکبر گنجی، علی اکبر محتشمی پور، مصطفی معین، عبدالله نوری، فاطمه کروبی و موسوی لاری افرادی هستند که به تناوب در این چند روز در کوی حاضر می‌شوند و هریک به شکلی بر تحریک دانشجویان می‌افزایند. حضور گسترده اعضای نهضت آزادی و سازمان منحله مجاهدین انقلاب در مدیریت آشوب‌ها و حتی حضور عزت‌الله سحابی و ابراهیم یزدی در کوی، از نکات دیگری است که پشت پرده جریان را آشکار می‌کند

و سـازمان منحله مجاهدین انقلاب در مدیریت آشوب‌ها و حتی حضور عزت‌الله سحابی و ابراهیم یزدی در کوی، از نکات دیگری است که پشت پرده جریان را آشـکار می‌کند.روز ۲۰ تیر با گسترش آشوب در شهر و خیابان‌های اطراف کوی می‌گذرد. در همین روز خاتمی با اسـتعفای معین مخالفت می‌کند. آشوب‌گران با حضور در مقابل وزارت کشـور، درب این وزارتخانه را کندند و به سمت میدان فاطمی تظاهرات کردند. بازی اسـتقلال و پرسپولیس که امروز قرار است برگزار شـود نیز مورد توجه فتنه‌گران قرار می‌گیرد و اعلام می‌شـود علاوه بر حضور در ورزشـگاه، بزرگراه تهران ـ کرج را مسـدود خواهند کرد. علاوه بر حضور اعضای نهضت آزادی و فائزه هاشمی در کوی، اعلامیه‌ای در حمایت معترضان از سوی حسینعلی منتظری صادر و بین دانشجویان پخش می‌شود. اکبر گنجی نیز حدود سـاعت ۱۷ خود را به کوی می‌رسـاند و سخنرانی تحریک‌آمیزی پیرامون وقوع کودتا انجام می‌دهد. شـامگاه ۲۰ تیر با حضور مصطفی معین در محوطه کوی، اعلام می‌شود که از فردا ۱۰ صبح، معترضان در دانشگاه تهران تحصن خواهند کرد.

فردای آن روز یعنی در ۲۱ تیرماه، اقشار مختلف مردم و دانشجویان با رهبر معظم انقلاب دیدار می‌کنند. ایشان در ابتدای سخنانشان به حادثه کوی دانشگاه اشـاره داشـته و می فرمایند: «مطلبی که از نظر من مهم‌تر از همه است و ذهن مرا مشـغول کرده، حمله به خوابگاه جوانان و دانشـجویان است. این حادثه تلخ قلب مرا جریحه‌دار کرد. حادثه غیرقابل قبولی در جمهوری اسلامی بود. حمله به منزل و مأوا و مسکن یک جمعی به ویژه در شب یا هنگام نماز جماعت، به‌هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست. هرکسی بوده فرقی نمی‌کند چه در لباس نیروی انتظامی چه در غیر آن. حرف من به دانشجویان این است که مراقب باشید و دست‌های پنهان را ببینید.»

بعداز ظهر ۲۱ تیر نامه‌ای محرمانه از سوی ۲۴ تن از فرماندهان سپاه پاسداران خطاب به محمد خاتمی رئیس‌جمهور ارسال می‌شود و از او می‌خواهند «سکوت، مسامحه و ساده‌انگاری» را کنار گذاشته و به «وظیفه انقلابی و ملی» خود عمل کند. خاتمی به این نامه وقعی نمی‌نهد. در واقع او تا پایان با اتخاذ مواضع مذبذب خود، آب به آسـیاب کودتاچیان می‌ریـزد. وی در عین حال که در اظهار نظری معروف، از حوادث ۱۸ تیر با عنوان «تاوان افشای قتل‌های زنجیره‌ای» یاد می‌کند، یک ماه بعد از حوادث، در دیدار با اعضای جهاد دانشـگاهی، به هدایت آشوب‌ها از بیرون اعتراف می‌کند: «دعوت به آشوب ریشه در خارج دارد. حفظ ارزش‌ها و مصالح ملی پیرامون رهبری، قاعده رقابت سیاسی است.»

تا بعدازظهر روز ۲۱ تیر، از حجم آشوب، تخریب و درگیری در سطح شهر کاسته و فضا مقداری آرام می‌شود. در همین روز، بسیج دانشجویی دانشگاه تهران برای برگزاری تجمع اعتراضی در دانشگاه تهران برای روز سه‌شنبه ۲۲تیر از وزارت کشور درخواست مجوز می‌کند که با مخالفت این وزارتخانه مواجه می‌شود.اعلام می‌شود از سوی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، فراخوانی برای حضور در تجمع اعتراضی چهارشنبه در دانشگاه تهران صادر شده است. این در حالی است که موج آشـوب و تخریب همچنان در شـهر ادامه دارد و بخش‌هایی از آن به منطقه‌های جنوبی‌تر تهران و بازار رسیده است.

رهبر معظم انقلاب ۲۲ تیر پیام مهمی را خطاب به مردم و دانشجویان صادر می‌کنند: «گروهک‌های وابسته و معاند، طبق تحلیل اربابان و معلمان خود، گمان کرده‌اند مردم ایران از اسـلام و انقلاب دسـت برداشـته‌اند و به خیال باطل خود می‌خواهند از انقلاب اسـلامی انتقام بگیرند. فرزندان بسیجی‌ام با حضور خود در هر صحنه‌ای که لازم است، دشمنان زبون را مرعوب و منکوب کنند.»

پـس از فصل الخطـاب رهبری انقـلاب، تجمعی که قرار بـود ۲۳ تیر در دانشگاه تهران برگزار شود، تبدیل به راهپیمایی عظیم مردمی در دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف دانشـگاه شـد. از میدان ولی‌عصر(عج) تا دانشگاه در سمت شـمال و شـرق و از میدان فردوسی در سرتاسر خیابان انقلاب به‌سمت دانشگاه، مملو از جمعیت مردمی شد. جمعیت مقابل دانشگاه به حدی شد که امکان ورود به دانشـگاه امکان‌پذیر نبود. مراسم با سخنرانی مسئول وقت بسیج دانشجویی و حجت الاسلام حسن روحانی - دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی - برگزار شد.

مردمی که چند روز صبر کرده و منتظر اشـاره‌ای از ولایت بودند، اکنون به صحنه آمدند تا نشان دهند انقلاب ملعبه مطامع غرب‌زدگان داخلی نیست. اتفاقی که در یک نصف روز در ۲۳ تیر رخ داد، قدرت ایمان مردمی بود که برنامه‌های چند ساله تجدیدنظرطلبان و انقلابیون خسته و پشیمان را به هم ریخت. جریان سکولار و برانداز نتوانست ۱۸ تیر را عاملی برای باج‌گیری از نظام اسلامی و رهبری قرار دهد.هرچند حوادث سال‌های بعد نشان داد که فرصت نظام به سران این جریان، برای آنها عبرت‌انگیز نبود و شد آنچه نباید در فتنه ۸۸ می شد!

حوزه و دانشگاه تعامل یا تخاصم؟!

بدون شـک، یکی از بزرگ ترین دسـتاوردهای انقلاب اسلامی ایـران، ارتبـاط عمیق و تنگاتنگ قشـر های مختلف مـردم بود که ایـن مهم بـا رهبری مدبرانه و حکیمانه معمـار کبیر انقلاب و خلف بـر حق او امـام خامنه ای صورت گرفت. در دوران حاکمیت گفتمان شاهنشـاهی، علیرغم تبلیغات دامنه دار نظام منحوس طاغوتی علیه روحانیت، روحانیون به عنوان پرچمداران نهضت عاشـورایی، در صف اول جبهه حق علیه کفار نقش ایفا می کردند و با تشکیل هسته های مردمی در مساجد، تکایا و اماکن مذهبی، نیروهای پراکنده اجتماعی را از هر صنف، قشـر و طبقه ای سـازماندهی می کردند. جهان بینی روحانیون در دوران حاکمیت طاغوت، نگاهی عمودی و آمرانه نبود و به تعبیر میشل فوکو سازماندهی قدرت از بالا نبود بلکه روحانیون به شبکه‌های خرده ریز قدرت باور داشتند و ارتباط آنان با مردم با زبانی متناسب با باورهای مردم که همانا باورهای اصیل اسلامی ایرانی بود صورت می‌گرفت. در این میان بودند روشنفکران و گروه های مختلف و متنوعی اعم از سوسیالیست، ملی گرا و ... که سعی داشتند با ارائه اصول و مرامنامه هایی در راسـتای بسیج مردم گام بردارند. اما چون این گروه‌ها و دسـتجات نسـبت به باورهای مذهبی- شـیعی مردم ایران آشـنایی کافی و وافی نداشتند و یا مخالف این ارزش ها بودند، نتوانستند کارنامه مشعشعی را از خود به جا گذارند. در میان روحانیون، یـک روحانی بود که در تمامی صحنـه ها حاضر بود، اهل خطر بود، صریح‌اللهجه بود و تمام قد در برابر طاغوتیان و مستکبرین می ایستاد و ترسی به دل راه نمی داد.

روح الله، مـرد خدا بود و مشـروعیتش را از خدا می گرفت. او با عشق سخن می گفت، عارفی فرزانه بود و سخنانش، دل و جان مردم را نوازش می داد. خمینی کبیر، یک شخص نبود، یک دنیا بود و روح پیکار جوی او یاد آور رنج ها و مصیبت های مردم سـتمدیده ای بود که سالیان متمادی زیر شلاق مستکبران و مستبدان مجروح شده بود.

روح الله، ساده زیست بود، با مردم حشر و نشر داشت و حرف دل سـتمدیدگان را می زد و یار و یاور بی پناهان و شلاق خوردگان بود. با انصاف بود، اهل افراط و تفریط نبود. وسیع المشرب بود اما در برابر دشـمنان اسلام ، سرسخت و آشتی ناپذیر. روح الله، از همه دلجویی می کرد، و راهش ،راه خدا و مردم بود.

آنسان که عموم روشنفکران سر بر آستان اعلی حضرت همایونی! ساییده بودند و مدح درباریان را می گفتند، این روح الله و مردم رنجور از شلاق مستبدین بودند که در برابر تمامی دنیا ایستادند و توانستند کاری کنند کارستان و انقلابی را خلق نمایند که دنیا تا آن زمان نظیرش را به خود ندیده بود. انقلابی خلاف جهت حرکت تاریخ. انقلابی فرهنگی و انسانی. انقلابی که نوید دنیایی جدید و عاری از فقر و ستم را می داد و می خواست جهانی شود و چنین نیز شد. شخصیت امام خمینی و منظومه فکری ایشان به گونه ای بود که ایشان سعی داشتند همیشه در راستای تفاهم و ارتباط متقابل حوزه و دانشگاه گام بردارند، ایشان براین باور بودند که دانشگاه کارخانه انسان سازی است و تا دانشگاه‌ها اسلامی نشوند نباید امید تغییر در کشور را داشت.

امام قائل به وحدت حوزه و دانشگاه بودند و شاگردان برجسته ای را تربیت کردند که یکی از آنها استاد مرتضی مطهری بود.

شهید مطهری، شخصیت فرهیخته ای بودند که توانستند نقش عمده ای در وحدت حوزه و دانشگاه ایفا کنند و ایشان با حسن نیتی مثال زدنی، روشنفکر مسلمان دکتر علی شریعتی را به حسینیه ارشاد دعوت کردند و سـعی نمودند ارتباط حوزه و دانشگاه را از این طریق تقویت نمایند. امام در مقاطع مختل